

میزان رأی ملت است

«سیدعلی متولی»

چرا رهبر انقلاب، مشروعیت جمهوری اسلامی را متوقف بر میزان مشارکت مردم در انتخابات می‌داند؟ دور از انتظار است که رهبر سیاسی نظام، مشروعیت حکومت و رهبری خود را در برابر آزمون انتخابات قرار دهد و مشارکت بالا در انتخابات را نشانه همراهی مردم و بنابراین مشروعیت نظام خود اعلام کند. رهبر انقلاب در هر دوره انتخابات به طور رسمی، میزان مشارکت در انتخابات را نشانه اعتماد مردم به نظام اعلام می‌کند و با اصرار و ابرام از مردم می‌خواهد که به این دعوت پاسخ دهند. این عمل سیاسی، در بدو امر، عملی غیرحرفه‌ای در سیاست تلقی می‌شود. به لحاظ حرفه‌ای، سیاستمدار نباید خود را در برابر آزمون‌هایی قرار دهد که می‌تواند در بازی‌های سیاسی نیروهای معارض مورد تهدید واقع شود. در واقع این عمل سیاسی دست نیروهای سیاسی معارض داخلی و خارجی را برای حمله به مشروعیت دولت جمهوری اسلامی و شخص رهبری آن باز می‌کند. پس چرا رهبر انقلاب، هر انتخابات را تبدیل به یک رفتار برای کلیت جمهوری اسلامی می‌کند؟ معقولیت این رفتار ناشی از این امر است که ایشان در مقام مراقبت از سیاست‌های کلی نظام، انتخابات و در واقع مشارکت مردم در سرنوشت کشور را جزو اصول اساسی انقلاب و شرط مشروعیت جمهوری اسلامی می‌داند. برخی تأکید رهبر انقلاب بر اهمیت مشارکت در

انتخابات را یک موضع تاکتیکی در سیاست خارجی تلقی کرده و ضرورت مشارکت را، تأمین مصونیت نظام جمهوری اسلامی می‌دانند. بنابراین با توجه به اینکه انتخابات را امری ذاتی برای حیات جمهوری اسلامی نمی‌دانند، بیشتر بر نمایش انتخاباتی تکیه می‌کنند و آن را برای مصونیت بخشی به نظام کافی می‌دانند. از این جهت است که با تمرکز بر انبوه فعالیت رسانه‌ای و ارائه خدمات رفاهی، مدیریت تصویر ذهنی مردم و جلب مشارکت در انتخابات از این طریق، در اولویت قرار می‌گیرد. اگر چه رهبر انقلاب مشارکت در انتخابات را موجب ایجاد مصونیت برای نظام می‌دانند اما تأکید بر نسبت میزان مشارکت و ایجاد مصونیت برای نظام، یک تاکتیک سیاسی نیست بلکه به ماهیت مشارکتی نظام جمهوری اسلامی اشاره دارد. متأسفانه پیش از این گفتار «مشارکت» و «مردم» در سیاست ایران، به مصرف جریان‌های سیاسی رسیده و برای فهم این اساس در نظام جمهوری اسلامی، نیازمند آشنایی‌زدایی از این مفاهیم هستیم تا دچار اختلاط با مفاهیم تولید شده در فلسفه سیاسی غرب نشویم. به این ترتیب باید پرسید این مشارکت به چه معناست و این مصونیت از کجا سر بر می‌آورد؟ مشارکت مردم به معنای بازتولید انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است. انتخابات برای ماهیت انقلاب و جمهوری اسلامی، صرف برگزاری یک آیین و تشریفات سیاسی دوره‌ای نیست. اعتقاد امام خمینی به میزان بودن رأی ملت، نه یک موضع تاکتیکی بلکه یک موضع علمی و اصولی است. ما پس از ۴ دهه از حاکمیت جمهوری اسلامی، همچنان با مواضع اصولی امام خمینی تعارف کرده‌ایم و اگر چه به درستی تفاسیر لیبرال از مشارکت مردم، نقد شده اما تفسیر علمی و اصولی انقلاب از مشارکت و رأی مردم؛ به عنوان میزان و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی، هنوز در جامعه علمی طرح نشده‌اند. انتخابات، یک دعوت عمومی برای بازخوانی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی در «زمان» انتخابات است. انقلاب و نظام جمهوری اسلامی یک حاکمیت فرازمانی نیست. نه تنها نظام جمهوری اسلامی نیازمند بازخوانی زمانمند است، خود انقلاب اسلامی به مثابه تئوری فلسفی و سیاسی حرکت مردم ایران نیز امری زمانمند و نیازمند بازخوانی است. این زمانمندی به معنای بی‌بنیادی و فقدان اصول اعتقادی و سیاسی نیست بلکه به این معناست که اصول اعتقادی و سیاسی انقلاب اسلامی نیز نیازمند اجتهاد در زمان هستند. بازخوانی زمانمند انقلاب و نظام ایران، اگر چه امری علمی است اما نه به معنای مصطلح در نهادهای علمی بلکه به معنای امری عمومی.

اگر نگاهی به انتخابات سال‌های ۷۶ و ۸۴ بیندازیم، متوجه خواهیم شد که این مردم هستند که در نحوه مشارکت خود در انتخابات، ماهیت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را به نحوی زمانمند بازخوانی می‌کنند.

هر دو انتخابات به غایت پر شور و با مشارکت سیاسی بالا رخ داد. انتخابات سال ۷۶ یک حرکت آزادی‌خواهانه و حتی حامل نحوی غرب‌گرایی بود. مردم بر علیه دستگاه اداری متمرکز دولت سازندگی موضع گرفتند و به گفتار جامعه مدنی و مشارکت سیاسی رأی دادند. اما هشت سال بعد در برابر گفتار آزادی‌خواهی و غرب‌گرایی به گفتار عدالت و مبارزه با فساد رأی دادند و در برابر وابستگی و تمایل به غرب ایستادند. دو گونه تفسیر از این رخداد ممکن خواهد بود. نخست آن‌که بگوییم مردم ایران گرفتار دو قطبی رفتاری هستند و با اتکا به تحلیل‌های روانشناسانه یا جامعه‌شناسانه رأی مردم را ناشی از یک سرگردانی روحی و تاریخی بدانیم.

اما واقعیت این است که قوم ایرانی واجد یک روح ملی است و رفتار سیاسی قابل توضیح تولید می‌کند. به این ترتیب هر انتخابات یک فراخوان عمومی برای بازخوانی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی در زمان است. گفتار جمهوری اسلامی در میانه ایستادن و اعلام «نه شرقی، نه غربی»، رفتار سیاسی میانه‌ای را ایجاد می‌کند که اجازه نمی‌دهد دولتمردان ایرانی به راست یا چپ لغزش کنند و وضع استثنایی انقلاب را فرو بگذارند. این رفتار سیاسی معنادار که برآمده از روح ایرانی حاکم بر این ملت است بر ماهیت مردمی انقلاب استوار است. اگر «میزان رأی ملت است» و مشارکت مردم، میزان مشروعیت جمهوری اسلامی است، به این دلیل است که ملت ایران واجد فطرت و روحی است که حقیقت انقلاب را به نحو زمانمندی حمل می‌کند. انتخابات در جمهوری اسلامی رجوع به حقیقت انقلاب و کشف تفسیر زمانمند آن است. از ابتدای انقلاب گفتارهایی به دنبال ایجاد انحصار سیاسی برای کارآمدی و پیشبرد سریع‌تر امور بوده‌اند. روشن است که در یک نظام متمرکز سیاسی با مداخله کمتر از سمت نیروهای متعارض، اهداف با سرعت بیشتری محقق می‌شوند. در دوران سازندگی، آقای مهاجرانی پیشنهاد مادام‌العمر شدن ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی را طرح کرد. در سال‌های اخیر هم برخی با استقبال از مشارکت کمتر در مقابل تمرکز و کارآمدی بالاتر، از مشارکت کمتر مردم در انتخابات استقبال کرده و از این امر واهمه نداشته‌اند.

ما با خطر رکود مشارکت سیاسی مردم روبرو هستیم و متأسفانه جریان‌های داخلی و خارجی قدرتمندی به استقبال این رکود می‌روند. اگر انتخابات ضعیف شود صرفاً یک عارضه سیاسی رخ نداده بلکه روح ملی ایرانی، و نظام حاکم بر ایران سست شده است.

از ابتدای انقلاب گفتارهایی به دنبال ایجاد انحصار سیاسی برای کارآمدی و پیشبرد سریع‌تر امور بوده‌اند. ما با خطر رکود مشارکت سیاسی مردم روبرو هستیم و متأسفانه جریان‌های داخلی و خارجی قدرتمندی به استقبال این رکود می‌روند. اگر انتخابات ضعیف شود صرفاً یک عارضه سیاسی رخ نداده بلکه روح ملی ایرانی، و نظام حاکم بر ایران سست شده است.